

مالیه ایران در دوره های باستانی

۱- در دوره های باستانی

قدیم ترین اسنادی که درباره مالیات گیری تا امروز شناخته شده مطالبی است که درباره مالیات در الواح سومری دیده میشود و در بخشی از خوزستان و میان رودان (بین النهرین) پیدا شده است در گذشته باین سرزمین در اوستا خنیرث و در کتابهای کهن ایران شهبرو دل ایران شهبور گفته اند .
از نوشته های سومری تاکنون برمیآید که میزان مالیات در انجمنی از شیوخ تعیین و برقرار میشده و مالیات از مردان آزاد که برجان و مال خویش تسلط داشته اند دریافت میشده است . منبع

کتابخانه مدرسه فیضیه لاج

بقلم

مجید تمانی

دیگر درآمدها غنایم جنگی بوده که ازملت های مغلوب و دست‌نشانده بصورت باج گرفته میشد . در آئزمان گذشته از مالیات ارضی و مزروعی از فروش کالا و پیشه‌وران و دامداران نیز مالیات‌گرفته میشده این مالیات بیشترجنسی بوده وگاه بصورت نیروی انسانی چون بیگاری و سربازگیری .

ساموئل کریمر ^۱ کتابی درباره الواح سومری‌گردآورده عقیده داردکه گیرندگان مالیات در این دوره چنان درپیداکردن منابع‌درآمد مبتکر بوده‌اند که جا دارد همکاران امروزی آنها برایشان حسد ورزند .

۲- مالیات در دوره های پیشدادیان و کیانیان

ازدریافت مالیات در دوره پیشدادیان که قانون‌گذاران بوده‌اند وجانشینان آنها کیانیان اطلاعات دقیقی در دست نیست .
تنها درشماررویدادهای زمان منوچهر پادشاه پیشدادی اشاره‌ای به مالیات‌گیری برای هزینه سپاهیان شده است .

درباره مالیات‌گیری در دوره کیانیان نوشته‌اند در زمان کیقباد سردودمان کیانیان نخستین بار مالیات وضع شد و میزان خراج‌گیری در زمان کیقباد ده یک از درآمد ها بود و مصرف آن برای گردآوری سپاه بوده است . ^۲

صاحب تاریخ فرشته مینویسد :

« سام نریمان ازسوی شاهنشاه ایران ، بقصد گرفتن هند به پنجاب روی می‌آورد . مالچند سپهسالار مهاراج ، پادشاه هند ، با

۱- الواح سومری از ساموئل کریمر ترجمه داود رسائی

۲- تاریخ محمد جریر طبری دیده شود .

تقدیم باژو خراج با او صلح مینماید . بعضی برآند از زمان فریدون ، پنجاب در تصرف ایران بوده و اولادگرشاسب ، که رستم و تبارش باشند در آنجا امارت داشته‌اند .
همچنین نوشته‌اند :

رستم سند ، ملتان و پنجاب را مسخر کرد و یکی از سرداران هند را بنام سورج ، بفرمانروائی متصرفات منصوب کرده بایران برمیگردد . سورج و پسرش بهراج باجگزار ایران بودند . کیدار نام برهمنی بر بهراج خروج نموده ، زمام سلطنت هند غربی را بدست میگیرد و پادشاه بزرگی میگردد اما بکیکائوس و کیخسرو باج و هدایا میفرستد .

۳- مالیه ایران در دوران مادها

درباره سازمان مالی و چگونگی وضع و وصول مالیاتها در دوره مادها آگاهی کاملی در دست نیست و چنین استنباط میشود که در هر محل فرمانروایان بتشخیص خود مالیات دریافت میداشتند و سهمی برای شاه بدربار میفرستادند ولی آنچه در این مورد شایان توجه و دقت میباشد اینست که علت انقراض این سلسله با امر مالیات بستگی کلی داشته و در این باره چنین اظهار عقیده شده است که مادها همینکه نیرومند گشتند و بثروت زیاد رسیدند و بزرگان آن دولت در ناز و نعمت غوطه ور شدند چون تجملات درباری مستلزم هزینه بسیار بود بر مالیاتها افزودند و بدین رو پایه جور و ستم بالا گرفت و موجب نارضایتی مردم فراهم آمد این بود که دولت آنها نتوانست در برابر رقیب پارسی خود مقاومت کند و از پادرامد .

۴ - مالیه ایران در دوره هخامنشی

قلمرو پهناور شاهنشاهی ایران در دوران هخامنشیان و وجود

ملتهای تابعه و لشکر کشیمهای بزرگ به مصر و یونان و شرق و غرب ایجاب میکرد سازمان درستی برای درآمد و هزینههای کشوری و لشکری پدیدآید فهرست استانهای مالیاتی منسوب به هرودت که مشیرالدوله پیرنیا در تاریخ ایران باستان آورده است بظاهر قدیمیترین سند درباره چگونگی اصول مالیات در این زمان است که بخشی از آنها خواهیم آورد گزنفن و پلوتاخ و استرابو نیز در این باره اشاراتی دارند ولی ارقامی نشان نداده اند نوشته اندکوروش کبیر ماموران و فرماندارانی برای دریافت مالیات باستانهاگسیل داشت تا مالیات گرفته و به مصرف سپاهیان برساندگزنفن از قول کوروش مینویسد :

« بنظر من شایسته است شهربانمائی برای اداره کارها به استانها بفرستم تا مردم را اداره کنند و مالیاتها را دریافت داشته حقوق سپاهیان را بمرکز فرستند و درکارهایی که وظیفه دارند نظارت نمایند کسانی که در اینجا خانه دارند و آنها را باستانها میفرستم باید در آنجا هم دارای زمین و خانه باشند تا پس از ورود در خانههای خود مسکن کرده و مالیاتها را گرفته بفرستند »^۳

« شایسته است شهربانها کسانی باشند که بتوانند بهترین و زیباترین ارمغانها را که در استانها مییابند اینجا بفرستند تا بی آنکه ما از خانه خود بیرون رویم بتوانیم از مزایای هراستان بهره مند شویم »^۴

اما نوشته اندکوروش سرزمین پارس را از مالیات معاف داشت. همچنین جزو وقایع حکومت گماتای مغ نوشته اند مالیات سه سال را

۳- گزنفن کتاب هشتم فصل ششم

۴- گزنفن کتاب هشتم فصل ششم

بمردم بخشود و اینکار را برای استحکام مبانی حکومت خویش نمود هزاران لوح گلی پیدا شده در تخت جمشید که بیشتر آنها اسناد خرج است و در میان آنها سند های مالی نیز یافت میشود نشانه وجود حسابهای منظم هزینه ها است سی هزار لوح آنرا پرفسور جورج کامرون برای خواندن بشهر شیکاگو در آمریکا برده است و بیشتر آنها بمنزله اسناد خرجی بوده است که از آن دوران یافت شده و در همان لوح های خوانده شده لوح هایی یافت شده که نشان میدهد ارزش کار (خدمات) و کالا و نرخ آن به تشخیص عاملان دیوانی ارزیابی میشده است در یکی از لوحه های گلی میزان مالیات نقدی و جنسی دیده میشود که بنمایندگان شاهنشاه در استانها پرداخت میشد. و این مالیات از کشاورزان و پیشه‌وران و بازرگانان دریافت میشده است^۵ همچنین لوحه ای پیدا شده که نشان دهنده پیش پرداخت دستمزد ده حسابدار است که چهار ماه آخر سال چهارم شاهنشاهی خشایارشا حواله شده و بسیاری از این حواله ها به خزانه دار شاهی حواله شده است.

کهن ترین مدرک درباره مالیات در زمان هخامنشیان در نوشته های منسوب به هرودت است پلوتارخ و استرابون نیز اشاراتی دارند ولی رقمی ذکر نکرده اند بنا بر نوشته هرودت داریوش ایران را به بیست بخش مالیاتی بخش کرد و همراه با فرمانروای هراستان یک امین مالیه نیز روان میداشت تا مالیاتهای نقدی و جنسی را دریافت دارند. در زمان داریوش بزرگ نخستین بار در سراسر کشور اقدام به ممیزی املاک مزروعی و بستانها شد و میزان پرداختی هر خشاترا پاون را تعیین کرد تا اصل عدالت در وصول مالیات رعایت شود

۵- لوح شماره ۰۸۵ الواح گلی تخت جمشید تالیف و ترجمه آقای محمد تقی مصطفوی

در این زمان میزان مالیات در دفترهای دیوانی و مالیاتی ثبت میشد و علاوه بر آن از محل هدایا و ارمغانها درآمدی حاصل میشد داریوش بزرگ ترتیبی داده بود که مردم بتوانند بمالیتهای تعیین شده اعتراض کنند و معلوم کرد هر شهربان یا خستراپاون تا چه اندازه درآمدها را در محل برای نگهداری سربازان و تیراندازان و سپرداران و فلاخن اندازان باید خرج کند و بقیه را بمرکز بفرستد .

در سال چهارم شاهنشاهی داریوش بزرگ نظام مالیاتی از هر جهت تنظیم شد در زمان داریوش بزرگ مالیات نقدی و جنسی گرفته میشد مالیات سالانه را ۱۴۵۶۰ تالان نقره اوبیائی ۶ برابر ۹ میلیون فرانك طلا برآورد کرده اند مالیات جنسی را در این زمان «خراک» میگفتند و هر استان یا کشور برابری خوراک چند هزار سپاهی غله و مالیات جنسی میپرداخت یکی از وظایف شهربان در این زمان گردآوری مالیات بود و او میتواند سکه نقره و مس ضرب نماید .

باید گفت داریوش بزرگ دستور ضرب سکه داد و این برای نخستین بار در جهان بود که مبادلات بر مبنای طلا و نقره قرار گرفت و احد پول در این زمان «زریک» یا «دریک» بود .

برخی از نویسندگان ندانسته نوشته اند که در امر مالیات گیری پارسیان از آشوریان پیروی کرده اند در صورتی که تاریخ آشور ساختگی بوده و تمدن درخشانی نداشته و بیشتر بجنگ و غارتگری معروف است از وضع وصول مالیاتها در دوره هخامنشی و در زمان

۶- Euboïque تالان اوبیائی و تالان بابلی که هر دو تا از آندونام برده است و گفته تالان بابلی نقره و ۷۸ مینای اوبیائی است زیرا مینای اوبیائی برابر ۴۳۸ گرم بوده و از اینرو تالان نقره بابلی برابر ۳۴۱۶۸ گرم میشود و تالان اوبیائی برابر ۶۰ مینای اوبیائی یا ۲۶۲۶۰ گرم تالان او به ای بر مبنای طلا بوده است .

کورش‌کبیر اطلاعات بیشتری در دست است و بیشک پس از تسلط پارسیها بر سرزمین ماد و وحدت شاهنشاهی ایران اصول اداری و مالیاتی پارسیها در سراسر ایران زمین معمول گشته و در زمان داریوش بزرگ شاهنشاهی هخامنشی نیز جهت دریافت مالیاتها ترتیب اساسی داده شد .

مینویسد : « کاپادوکیه غیر از مالیات نقدی همه ساله ۱۵۰۰ اسب و ۲۰۰۰۰ استر و ۵۰ هزار دام میدادند و مالیات جنسی کشور ماد دو برابر آن بود در دولت هخامنشی دریافت حقوق و عوارض گمرکی متداول نبود و شاید یکی از دلایل رونق بازرگانی در این دوره نبودن سازمان گمرکی بوده که در نتیجه باعث گردش و گسترش کالاها در سراسر کشور پهناور ایران شده است .

میزان مالیات هر یک از استانها و مردم ایرانرا هرودت ضبط کرده است .

هرودت نوشته است : «مجموع مالیاتی که بجزانه دولت» ریخته میشد برابر با ۱۲۴۸۰ تالان بابلی بود که بیول امروز ایران بالغ بر ۱۸۸۵ میلیون ریال و در حدود ۲۴ میلیون دلار میشود .

این درآمد را داریوش بزرگ از آسیا و بخشی از آفریقا دریافت میداشت ولی او بعدها بجزایروحتی نواحی اروپائی تراکیه (تراس) مالیات بست .

نوشته است در این زمان اهالی کلخید تا حدود قفقاز سالانه صد پسر بچه و صد دختر بچه هدیه میدادند و خراج بابل هزار تالان و خراج مصر هفتصد تالان بوده است .

هرودت میزان مالیات دریافتی از ایالات بیست‌گانه راکه بر قلم

آورده مجموعاً ۱۴۵۶۰ تالان^۷ برآورد نموده است. مالیات در این دوره بطور نقدی و جنسی دریافت میشد و چنانکه پلوتارخ مینویسد: « پس از آنکه داریوش میزان مالیاتهای نقدی و جنسی را تعیین کرد برسدگی پرداخت که آیا پرداخت مالیات برای مردم تحمیل نباشد و چون دانسته شد که مالیات عادلانه است باز میزان دریافتی را به نصف کاهش داد و گفت چون شهریانها نیز خواه ناخواه برای تأمین هزینه‌های خود تحمیلاتی بمردم خواهند آورد باید بار مالیات را سبکتر کرد تا شانه‌احاد رعیت زیر فشار پرداخت آن خم نشود»^۸

نویسندگان شوروی پیکولوسکایا ، یاکوپوسکی ، پتروشفسکی و غیره در باره چگونگی گردآوری خراج در دوران هخامنشی مینویسند: « یکی از مهمترین مشاغل ساتراپ گردآوردن خراج بود. نواحی کشور ایران پیش از صدور مقررات داریوش هدایائی به شاه تقدیم میداشتند که نه دائمی بود و نه مبلغ و مقدار معینی داشت. داریوش میزان تعهدات هر ساتراپ نشین را بدقت از روی درجه ، عمران و ترقی و تمدن آن معین کرد. میزان خراج بابل ثروتمند و مصر قدیم از دیگران بیشتر بود (اولی هزار و دویمی هفتصد تالانت) خراج سرزمینهای دیگر نیز اندک نبود و من حیث المجموع خراجی که بخزانة دولتی داریوش واصل میشد بمبلغ ۱۴۵۰۰ تالانت (قریب سی و چهار میلیون روبل طلا یا قریب سیصد و چهل میلیون تومان) سر

۷- هر تالان واحد وزن و واحد پول یونان باستان بوده که هرودت بکار برده است برابر است با ۳۶/۳۹ گرم طلا یا ۵۱۵۷ فرانک طلا برابر یک میلیون و دویست هزار ریال .

۸- نقل از ایران باستان نوشته مشیرالدوله بیرنیا دفتر یکم .

میزد . گنجینه‌های شاهی مملو از شمش‌های طلا و نقره بود .

«گذشته از این خراج نقدی هر ناحیه خراج جنسی نیز از قبیل غله و دامهای شاخدار و اسب و برده و عاج و غیره می‌پرداخت و نوع این خراجها مربوط باین بود که ناحیه منظور از لحاظ چه محصولی ثروتمند است .»^۹

استرابون نیز درباره مالیات در زمان هخامنشیان آگاهی هائی میدهد درباره میزان مالیات کاپادوکیه و سرزمین ماد نوشته است که غیر از مالیات نقدی هر ساله مقداری مالیات جنسی نیز می‌پرداختند استرابو جای دیگر مینویسد :

« در ارمنستان اسبهای خوب بسیار پرورش مییابد که پست‌تر از اسبهای سرزمین ما نیستند مرزبان ارمنستان بهنگام جشن مهرگان بیست هزار کره اسب بدربار شاهنشاه هخامنشی خراج می‌فرستادند .»

و اما هرودت مینویسد : «همینکه کمبوجیه پادشاهی رسیده همه ملتهای فرمانبردار خود را برای سه سال از خدمات جنگی و مالیات معاف کرد» و اینکه داریوش بزرگ مالیات را نصف کرد از آن جهت بود که هزینه ماموران کشور از مردم جداگانه دریافت و وصول میشد و این رسم تا زمان مشروطیت در ایران برقرار بود. در زمان هخامنشیان بندهائی بر رودها بسته بودند که مالیاتی هم برای آبیاری پرداخت میکردند .

۹- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم دفتر اول صفحه ۳۰ و ۳۱ چاپ تهران ترجمه آقای کریم کشاورز .

سایکس آنجا که استانهای غربی ایران را در زمان داریوش بزرگ شرح میدهد در باره مالیات آنها مینویسد :

« مالیاتی که از این ولایات اخذ میشد بعضی نقدی و بعضی هم جنسی بود و عجب در این است که هنوز هم این ترتیب در ایران معمولست . کمترین میزان پرداخت از ولایتی بوده است که درازمنه جدید بلوچستان خوانده شده و آن اوقات هم مثل این زمان کم حاصل و فقیر بوده و مالیات آنجا بمیزان صد و هفتاد تالان نقره تخمین شده است . از طرف دیگر مالیات بابل هزار تالان و مالیات مصر هفتصد تالان طلا بوده است و کلیه مالیات نقدی سه میلیون و هفتصد و هشت هزار و دویست و هشتاد پوند بوده است . »

« داریوش اول پادشاه ایرانی است که ضرب سکه نمود و پول طلای ایرانی که یونانیها آن را دریک و صدوسی حبه وزن داشته و از جهت خالص و خوش عیار بودن معروف بود بزودی درازمنه قدیم پول طلای منحصر دنیا شد . پول نقره هم در عهد اوسکه میزدند این مطلب تذکرش خالی از دلچسبی نیست که پوند و شلینگ انگلیسی کاملاً معادل بادریک و سیکل داریوش میباشد . »

« مالیات جنسی نیز گزاف بود چنانکه جنس بابل ثلث خوراک تمام قشون و دربار را تهیه میکردند است مصر معادل خوراک یک قشون صد و بیست هزار نفری غله میداده است . مادها اسب قاطر و گوسفند ، ارمنی ها کرده و بابلی ها خواجه ۱۰ تهیه میکردند و چون صاحبمنصبان و افسران مواجب و حقوق معین و مرتبی نداشتند

۱۰- ظاهراً باید اخته باشد و مقصود اسبهای اخته است .

و یحتمل که برای تحصیل مقام تقدیمی هم میدادند معلوم میشود که تحمیلات ولایات سنگین و شاید تحمل ناپذیر بوده است. اما از طرف دیگر موانع و نظارتهای سابق الذکر در کار بوده که ساتراپ را مجبور میکرد از حدود معمولی تجاوز نکند و در حفظ امنیت و ترقی وسایل ارتباط و آمدوشد بکوشد و نیز باید بخاطر داشت که در هر کشور طبقات پست معتاد بودند که بحکمران خود مالیات گزاف بپردازند. علاوه بر این ترتیبات مذکوره عایدات مرتبی برای پادشاه مقرر مینمود که ایشان را از تقاضا و اخذ وجوه فوق العاده مستغنی میساخت.^{۱۱}

اوستد بنحوه دریافت تحف و هدایا اشاره کرده و مینویسد:

«حجاریهای تخت جمشید که نشان دهنده تقدیم هدایا از طرف ملل تابعه میباشند در حقیقت جنبه تکلیف داشته است و کلیه ملتها موظف بوده اند که هر ساله هدایائی بمنظور پیشکش جهت سرای شاه بدربار تقدیم دارند و ملاکان برای تقدیم باج و پیشکشی از وام دهندگان بانرخ ۴۰٪ وام میگرفتند زمینهای مورد رهن بوسیله اشخاص مزبور بهره برداری و کشف میشد همچنین از منافع آن استفاده میکردند تا آنکه در اثر استقراض کلا ازید وام گیرنده خارج میشد.^{۱۲}

و اما عوامل دیگری که در تعیین میزان مالیات هراستان موثر بود کثرت نفوس و ثروت سرزمین بود چنانکه کشورهای غربی مانند آسیای کوچک بابل و مصر و غیره خیلی بیشتر از ممالک شرقی

۱۱- تاریخ سایکس ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی دفتر یکم چاپ سوم صفحه ۲۱۳ و ۲۱۴.

۱۲- تاریخ شاهنشاهی هخامنشی ترجمه آقای دکتر محمد مقدم.

باستثنای هند مالیات میپرداختند و عربستان که صحرای خشکی بود تقریباً چیزی نمیپرداخت همچنین ملت های فقیر از پرداخت مالیات معاف بودند از آن جمله اهالی حبشه که در سرحد مصر سکونت داشتند. « برخی از مردم نیز خود تعیین مالیات میکردند مانند اهالی کلشید .

باید گفت همه مالیاتهای دریافتی بخزانه نمیرفت بلکه نخست هزینه های پادگان و سپاهیان محلی از این درآمدها پرداخت میشد و سپس مازاد را بخزانه میفرستادند.

میزان مالیاتها در دفتر «دات» بمعنی قانون ثبت میگشت و مقصود آن بود که این وجوه قانونی است که دریافت میشود. کوروش کبیر دبیرانی برای دریافت مالیاتها به استانها فرستاد و کار گزاران و بازرسانی در کار آنان گماشت که آن را گوش و چشم شاه میگفتند و وظیفه آنها رسیدگی بحال مردم و رفتار ماموران دولت بود تا ستمی بر کسی روا ندارند و اگر نابسامانی در کارها دیدند باز گزارش دهند این همان رویه بازرسی شاهنشاهی است که امروز متداول است همچنین خزانه دارانی گماشت که مالیاتها پیش آنها گرد آید .

کتابخانه

گنج آمار دبیر بقول خوارزمی ۱۳ مامور نگاهداری حسابهای خزانه و یا منشی حسابهای خزانه بوده است شهر آمار کار ظاهراً مستوفی و رئیس حسابداری شهرستان بوده است آخر آمار کار حسابدار اصطبل و «در آمار کار» رئیس حسابداری و مامور دخل و خرج عایدات دربار بوده است .

خزانه شاهنشاهی

در زمان هخامنشیان مالیاتهای دریافت شده وجواهرات و غنایم همه در خزانه گردآوری میشد باین شکل که طلا و نقره را آب کرده در کوزه‌های سفالی بطور شمش نگاه می‌داشتند و هرگاه ضرورت میشد شمش‌ها را آب کرده و سکه ضرب میکردند .

نوشته‌اند از زمان داریوش یکم (بزرگ) تا زمان داریوش سوم (دارا) ۵۲۱ سال پیش از میلاد تا ۳۳۰ پ. م که هخامنشیان برافتادند برابر ۲۲۹۶۳۰ تالان در خزانه شاهنشاهی طلا و نقره بوده است . این رسم تمرکز درآمدها در خزانه رادر زمان اسلام مسلمانان گرفته و بخزانه بیت‌المال گفته‌اند.

موجودی خزانه شاهی همزمان تازش اسکندر بالغ بر ۶۰۰ میلیون فرانک طلا در شوش بوده و دو برابر آن در خزانه تخت جمشید اندوخته بوده است .

کتابخانه مدرسه لاهیجان

۵ - مالیه و مالیات در دوره اشکانیان

بیشتر آثار دوران اشکانی دستخوش تغییر و تحول گشته است چون اشکانیان از خانهای ایرانی بوده‌اند و پس از آنها ساسانیان از خاندان موبدان و روحانیون بودند و حکومت راحق خودمیدانستند بسیاری از آثار اشکانیان در همان دوره ساسانیان از میان رفته از اینرو معلوم نیست در آنزمان مالیه و دفترها بروش دوران هخامنشی اداره میشد یا بروش دیگری آنچه مسلم است در زمان اشکانیان آزادی دین و بازرگانی برقرار بوده و از شهرها یا شهربانها وجوهی بصورت مالیات مقطوع برای خزانه کشور می‌گرفته‌اند وزیر نظر شاهان خرج میشد و حقوق گمرکی در مرزها از واردات

و صادرات گرفته میشده است ولی چون در آن زمان ایران استانهای متعدد داشته و هر یک در کارهای داخلی تا اندازه ای استقلال داشتند و بدولت مرکزی فقط نیروی جنگی و باج میدادند چنین بنظر میرسد که ترتیب وصول مالیات و میزان آن برای هر استان در اختیار شهربانهای اشکانی و دولتهای محلی بوده است و مالیاتی بطور مقطوع بخزانه میفرستاده اند.

صاحب تاریخ فرشته از پادشاه هند بنام سنسارچند (چاندرا - کویتانیای آشوکا) نقل میکند که بگودرز پادشاه اشکانی باج و خراج میداده است.

تاسیس گمرک

موضوع مهمی که در این دوره شایسته تذکار است تاسیس دفتر گمرکی در مرزهای ایران است که از کالاهای رسیده و صادراتی مبلغی بعنوان حقوق گمرکی دریافت میشد و شاید مقررات دریافت عوارض از کالا های رسیده و صادراتی در این زمان معمول گشته باشد. بواسطه امنیت و توسعه در شاهراه ابریشم و راه هندوستان و راهی که بغرب میرفته اشکانیان از کالاهای رسیده از چین و سرزمینهای دیگر حقوق گمرکی و راهداری گرفته اشکانیان راه های کاروانی را نگهبانی کرده و برای کاروانان در هر منزلگاه و سایلی فراهم ساخته بودند کالاهای بسیار مانند ابریشم و پارچه - های فاخر مشك و چرم و عاج و سنگهای گرانبها و شیشه و ظرفهای سفالی و فلزات مانند مفرغ و آهن از این راه بغرب میرفته و از آنها عوارض راهداری و گمرکی دریافت میشده از اینرو درآمد آن دولت فزونی یافته چنانکه در جنگهایی که با امپراتوران روم مینمودند ساز و برك کافی تدارك میدیدند تا لاینوس درآمد اشکانیان راهمپایه

درآمد امپراتوری روم دانسته است و شاید بیشتر بوده است اما بعد هاراه دریائی میان هند و مغرب توسعه یافت و از درآمدهای گمرکی زمینی کاسته شد. در وقایع زمان اردوان چهارم دیده میشود که در آن دوره خزانه داری بنام آرتادخت خزانه دار کشور بوده است^{۱۴} و شاید او نخستین خزانه دار زن باشد که برگزیده شده.

اشکانیان در اداره شاهنشاهی ایران و کشورداری اختیارات بیشتری به مرزبانان و استانها داده بودند چنانچه شهربان^{۱۵} و مرزبان هر استان و بخش را شاه خوانده و شاه شاهان یا شاهنشاه در مقرر شاهنشاهی در نیسایه یا تیسفون در کار آنان نظارت داشتند مانند گیلانشاه، کوشانشاه، تورانشاه، کرمانشاه، سکان شاه و غیره. اشکانیان در کشور داری يك روش فدرال داشتند ازینرو آنان رادر بیشتر کتابهای قدیم ملوک الطوائف خوانده‌اند و بی شک با این روش به شهربانها اختیار مالیاتی بیشتری داده بودند. باید توجه داشت که کشور آنها ملوک الطوائفی بمعنی امروز نبوده و بطریق گفته شده اداره میشد.

هر شاه و هر شهربان خود مامور وصول مالیات و گردآوری خراج بود و پس از برداشت هزینه های محلی سهمی مانند مالیات مقطوع برای خزانه کشور و نگهداری سپاهیان به مرکز میفرستاد و اشکانیان در مالیات گیری سخت نمی گرفتند و بطوریکه نوشته اند میزان مالیات دریافتی از بخشهای مختلف کشور یکسان نبوده است و از هر کشور و سرزمین به تناسب توانائی آنان مالیات دریافت میشده. بخشودگیهای نیز در کار بود چنانکه از پارس و ماد و خوزستان تنها

۱۴- کتاب ماتیکان هزار داتستان دیده شود.

۱۵- شهربان یا خشترپاون که بیونانی ساتراپ گفته اند.

بدریافت ارمغان و هدیه‌ای اکتفا کرده مالیات نمیگرفتند.

در سنگ‌نشته‌های پیدا شده در نسیسایه یا نسا نزدیک عشق‌آباد (اشک‌آباد) در دفتر بایگانی شاهان اشکانی سازمانهای اداری و کارهای دیوانی و چگونگی وصول مالیاتها معلوم میشود ولی متأسفانه سالهاست که در انتظار انتشار اسناد و آثار پیدا شده در نسا هستیم که از طرف انستیتو خاورشناسی عشق‌آباد و انستیتو خاورشناسی لنین‌گراد مورد بررسی است.

در بخشی از بایگانی نسا که منتشر شده آگاهی‌هایی درباره مالیات تاکستانهای اراضی شاهی دیده میشود درباره زمینهای آپادانک^{۱۶} و یازمینهای ویژه دربار و زمینهای موقوفه پرستشگاههای^{۱۷} و مهربابه‌ها و زمینهای که مرزبانان برای هزینه‌های محلی در تیولشان بود مالیاتهای تعیین شده است این زمینها را بنام اوزبری^{۱۸} یا پتبریک^{۱۹} می‌نامیدند در این نشته‌ها از معافیت‌های مالیاتی و اجاره زمینهای شاهی نیز سخن رفته.

در زمان اشکانیان زمینهای خالصه دولتی و شاهی و زمینهای برای پرستشگاههای مهر و ناهید بوده که درآمد آنها صرف هزینه‌های خاص میشد.

بر حسب مالیاتی که از اراضی می‌گرفتند نوع مالیات تعیین میشد گذشته از زمین مالیات احشام و مالیات اموال و فلزات گرانبها و عوارض راه‌داری و گمرکات زمینی و دریائی گرفته میشده است. در اواخر دوران اشکانیان باج و خراج بخوبی دریافت نمیشد و شهربانها خودسرانه بدریافت خراج و مصرف آن می‌پرداختند و

16 — Apadanak

18 — Uzbari

17 — Ayazan

19 — Patbarik

همین امر موجب ضعف دولت مرکزی شد .

از دوران هخامنشی تا زمان اشکانیان واگذاری قطعات زمین به اشخاص با نفوذ مانند سورانها، کارنها، مهرانها، مرزبانها و غیره معمول بوده است باینصورت که قطعاتی از زمینهای کشاورزی و بیستانهای دولتی به تیول خاندانهای هفتگانه و بزرگان داده میشد . چگونگی پرداخت مالیات اقطاع بدرستی معلوم نیست که آیا کشاورزانی که در این اقطاع کار میکرده‌اند مالیات رابه صاحبان اقطاع می پرداختند یا به وسیله آنان بدولت پرداخت میشد یا مالکان که زمین در تیول آنها بوده بپرداخت مالیات اقدام میکردند ، آنچه مسلم است صاحبان اقطاع تمهداتی در انجام خدمات نظامی جنگی داشته اند . ۲۰

واگذاری اقطاع تا زمان عباسیان و سلجوقیان وایلخانان مرسوم بود و از سده سوم هجری در اواخر دوران عباسی رواج بسیار یافت و در دوره سلجوقیان نیز بسیار متداول بود که نخست سرداران به لشگریان و غلامان ترك قطعاتی از اراضی واگذار میشد تا بهره مالکانه آنها دریافت دارند و بعد آن اراضی که درآمد کافی نداشت بتصرف اشخاص داده شد . ۲۱

در سالهای اخیر برخی گمان برده‌اند اشکانیان روش مالی خود را از سلوکی ها پیروی کرده‌اند و این اشتباه است زیرا سلوکی ها در ایران حکومت نکرده‌اند که روش مالی آنان در ایران قابل بررسی باشد پس از اسکندر جانشینان او سلوکیها در شام و بطلمیوسیان در مصر حکومت کردند ۲۲ از زمان مرك داریوش سوم تا ظهور اشك یکم

۲۰- ایران در زمان ساسانیان صفحه ۱۲۶ و ۱۲۷ چاپ سوم دیده شود.

۲۱- دائرةالمعارف اسلامی زیر کلمه اقطاع دیده شود .

۲۲- کتاب تاریخ‌شناسی نگارش نویسنده گفتار بیست و یکم صفحه ۲۰۷ دیده شود.

هشتاد سال کشور آشفته و خانخانی بوده است که آثاری از آن زمان در دست نمائده همچنين برخی از يونان زدگان ميخواهند وصول ماليات راهم به يونان و بابل و اسکندر و ارسطو و افلاطون نسبت دهند در صورتیکه ماليات‌گیری برای نیازمندی و کشور داری پدید آمده است، گویند کتابی از گزنفن درباره افزایش عواید مالی شهر آتن هست که آنرا ندیده‌ام اگر چنین باشد شهر کوچکی چون آتن که در اداره آن پیوسته اختلاف و تشتت بوده نمیتوانسته است برای احتیاجات روشی برای باج و خراج و کشور داری آنچنان که در کشور پهناور ایران بوده داشته باشد و این ادعا نیازمند اسناد و مدارک دیگریست زیرا پیشرفت روشهای مالیاتی با پیشرفت و توسعه کشورداری همراه بوده است.

۶- مالیه ایران در دوره ساسانیان

تمدن ساسانی و اصول اداری و مالی آن دنباله سازمانهای اشکانی و هخامنشی بوده است.

تمدن ساسانی رامیتوان زیربنای تمدن اسلامی دانست^{۲۳} و به گواهی اروپائیان نفوذ تمدن و فرهنگ ساسانی در بسیاری از شئون دانش و صنعت و هنر اروپای امروزی محسوس است.

پرفسور رانسی مان انگلیسی مینویسد:

« بطور کلی هیچیک از شعبه های صنعت و هنر اروپائی قرون وسطی نیست که نفوذ و تاثیر دوره ساسانی در آن دیده نشود..... هنرهای مغرب زمین که اینهمه مایه افتخار و مباهات است هرگز بدون کمک و همکاری ایرانیان ترقی نمیکرد و رونق و شکوه نمی یافت. »^{۲۴}

۲۳- تاریخ تمدن و فرهنگ نوشته نگارنده دیده شود.

۲۴- کتاب نفوذ ایران در تمدن اروپا صفحه ۱۴ و ۱۵ دیده شود.

هینتس آلمانی پژوهشی درباره روش حسابداری در دستگاه‌های وصول مالیاتی ایران نموده که درباره چگونگی مالیه در زمان ساسانی نیز مطالبی دارد او عقیده دارد که در قرون وسطی روش مالیاتی ایران واجد اهمیت بسیار بوده است .

باید توجه داشت دوره ساسانیان را بدان معنی که در اروپا رایج است نمیتوان در ردیف قرون وسطی بشمار آورد زیرا دوره ساسانیان از جهات علم و صنعت و هنر و کشورداری در جهان آنروز خود دوره تجدد بوده است .

درباره مالیات‌گیری و چگونگی آن در دوران ساسانی اگرچه بیشتر از دوره‌های دیگر آثار و مدارک در دست است ولی باز کافی نیست . میدانیم که ساسانیان در حدود پنج سده شاهنشاهی بزرگی داشته و در کشورداری و جهانگیری اقتدار بسیار داشته اند و در زمان آنان کشور ایران دارای مرکزیت بیشتری از زمان اشکانیان بوده است . بی شک چنین کشور پهناوری با هزینه‌های کشوری و لشکری باید اساس استواری برای درآمدها و دریافت مالیاتها داشته باشد . از زمان هخامنشیان تا دوره ساسانیان حتی در روایات تاریخی ارقام و اقلام مالیاتی دیده نمیشود تا زمان قباد پدرخسرو و انوشیروان .

از سخنان اردشیر بابکان است :

« پادشاهی به سپاه است و سپاه بخراج و خراج بکشاورزی و کشاورزی به داد » همچنین از اردشیر است که : « کشور بسته بلشکر است و مالیات به آبادی و آبادی بلشگر و لشگر بمال و مال و مالیات به داد و داد به درستکاری عمال دولت و درستکاری عمال دولت بدرستکاری وزیران و سرآمد همه آنان پادشاه است . »

در زمان پیروز ساسانی (۴۸۴ تا ۴۹۵ میلادی) خشکسالی بزرگی در ایران پدید آمد و آثار آن تا زمان قباد ادامه داشت در زمان قباد ساسانی (۴۸۸ تا ۵۳۹ میلادی) مزدک ظهور کرد و برای تعدیل ثروت و مساوات و برابری از جهات مالی و طبقاتی اصلاحاتی کرد که قباد ساسانی نیز آنرا پذیرفت ولی چون خسرو انوشیروان این روش را مخالف سنتها و اغتشاش دانست مزدک و برخی از پیروان او را بکشت و بسیاری از آنان را بزدان افکند یا آنان از کشور گریختند و ناچار انوشیروان برای تعدیل ثروت و عدالت مالیاتی و دادگستری به ممیزی نوینی در سراسر کشور اقدام کرد.

در دوره قباد یکم مالیات بر مبنای سهمی از محصول بصورت مالیات مقطوع بود و از روی مساحت زمینهای زراعتی و بستانها دریافت میشد قباد در اینکار توفیقی نیافت اما انوشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) در تعدیل مالیاتها با ممیزی نوین توفیق یافت. تا زمان انوشیروان دادگر کشاورزان و بستان داران توان آن نداشتند که تا ماموران خراج دیوانی برای بازدید محصول نیابند محصول را از زمین بردارند و به انبار ببرند ازینرو گاه خساراتی متوجه محصول میشد و دهقانان از کشته خود نیز بهره مند نمیشدند قباد میخواست این رسم را براندازد عمرش کفاف نداد و کارنا فرجام ماند و بدست خسرو انوشیروان به فرجام رسید.

پیرنیا در وقایع مزدک مینویسد :

« خسرو می دانست که موجبات پیشرفت این مذهب سنوات قحطی زمان فیروز و تعدیات عمال دولتی بمردم و نفوذ فوق العاده نجبا و روحانیون بود با اصلاحات پرداخت و تعدیل مالیاتها را مقدم دانست بالحاصل بر اثر ممیزی هائی که به جدو جهد خسرو

باتمام رسید تکلیف مالیات بده معلوم و بار او سبکتر گردید .
این موضوع خود میرساند که در دوران قباد وضع توزیع ثروت عادلانه نبوده مزدک برخاسته است تا تعدیلی میان ثروت بنماید و مساواتی در جامعه برقرار سازد .

در دوره ساسانیان وزارت دارائی را دیوان خراگ^{۲۵} گفته‌اند .
در باره میزان و نرخهای مالیات در زمان ساسانیان محمدجریر طبری رقم کل مالیات کشور را بالغ بر ۴۵۰ میلیون درهم نوشته است که قریب یک سوم آن از سرزمین عراق یادل ایرانشهر وصول میشده است^{۲۶} ابوالحسن مسعودی نیز به میزان مالیات دریافتی در زمان ساسانیان اشاره میکند^{۲۷} .

طبری در ذکر وقایع زمان انوشیروان خسرو اول مینویسد دبیری از دبیران وظیفه دریافت خراج را بعهده داشت که باید او را نخستین مستوفی یا وزیر دارائی ایران دانست . پولهایی که از خراج سراسر کشور دریافت میشد به آن دبیر که او را گمبند می نامیدند سپرده میشد در زمان انوشیروان به مؤبدان مؤبد اجازه داده شده بود که در کار ماموران دیوانی یا آمارکاران بازرسی نماید تا بمردم اجحاف ننمایند در مفاتیح العلوم خوارزمی آمده است که مستوفی درآمد کشور را شهر آمار دبیر و مستوفی درآمد

۲۵- خراگ معرب شده و خراج گشته بمعنی مالیات ارضی است هنینگ عقیده دارد این واژه در زمان هخامنشیان از آرامی گرفته شده و این عقیده درست نیست این واژه از ریشه هراگ پهلوی و برابر خوراک يك سپاه بوده که بعهده هر استان محول بوده تا مالیات جنسی بدان میزان پردازند .

در باره زبان آرامی و اصالت آن کتاب تریانا نوشته نگارنده دیده شود بخراج به ازمنی خراج گفته‌اند .

۲۶- تاریخ رسل والملوک .

۲۷- التنبيه والاشراف دیده شود .

ده را «كذك آمار دبیر» و مستوفی خزانه را «گنج آمار دبیر» و مستوفی درآمد موقوفات آتشکده را آتش آمار دبیر گفته اند .

حسن بن محمد بن حسن قمی مینویسد : «مشمولین مالیات را گه‌بند به دیوان معرفی میکرد تا مالیات آنان را وصول و به دیوان تسلیم کنند گه‌بند مالیاتها را به ترتیب وصول نموده و در دفتر سیاهه ثبت میکرد و به مؤدیان رسید میداد .»

از قول روزبه «ابن مقفع» نقل میکنند «واستریوشان سالار» وظیفه داشت هر سال صورت درآمد های مالیاتی و موجودی خزانه را تمپیه و به شاهنشاه گزارش دهد و آن صورت بصحه و مهر شاهنشاه برسد معروفست که چون خسرو پرویز از بوی پوست آهو خوشش نمی آمد دستور داده بود تا نامه ها را با مشک و زعفران بنویسند .

درباره میزان وصول مالیاتها در زمان ساسانیان و خسرو - انوشیروان ابن بلخی^{۲۸} مینویسد:

« در تواریخ چنین آمده است کی بعهده ملوک فرس تا روزگار کسری انوشیروان مال ولایتمها در قسمت ثلث یا ربع و یا خمس ستدندی بقدر موجود ارتفاع و سبیل پارس همان دیگر جایها بودی اما چون کسری - انوشیروان قانون خراج همه جهان نهاد خراج پارس سی و شش هزار درهم آمد چنانکه سه هزار دینار »^{۲۹}

۲۸- فارسنامه ابن بلخی صفحه ۲۴۳ چاپ شیراز ۱۳۴۴ .

۲۹- برای دانستن مقدار درهم و دینار بیول امروز بشرح زیر صفحه بعد توجه شود: ◀

در زمان ساسانیان کشور به مناطق مالیاتی تقسیم شده بود هر استان مستقل را کوره گفته و هر کوره به چند تسو (طسوج) بخش میشد و بدست گه‌بندی سپرده بود .

سرگزیت یا مالیات سرانه را انوشیروان اصلاح کرد مودیان (سرگزیت) برحسب مال و درآمدی که داشتند بچند طبقه تقسیم شدند و از آنان هشت تا دوازده درم دریافت داشته و این مالیات را در سه قسط (مرگ) چهارماهه دریافت میداشتند .

در زمان خسرو انوشیروان پس از ممیزی کشور از زمین‌ها جریانه دریافت میشد برای يك جریب زمین جو و گندم که در حدود ۲۴۰۰ گز مربع بود يك درم نقدی دریافت میشد و از يك جریب یونجه هفت درم از يك جریب برنج پنج درم و از تاکستان هشت درم و از دیگر میوه هاهمین قسم دریافت میشد از هر درخت خرما و زیتون نیز مبلغی در حدود يك درم درسه قسط و اگر خسارات و آفتی به محصول میرسید آنها را از پرداخت مالیات معاف میداشتند .

در زمان ساسانیان اجتماع بر پایه طبقات چهارگانه استوار بود. در این دوره موبدان (آسروان) نفوذ بیشتر داشتند و گذشته از موبدان و ارتشتاران (ارتیشتاران) بار مالیات بیشتر بدوش دو طبقه

طبق نوشته کتاب (توضیح‌البیان تسهیل‌الاوزان) نوشته شده است که :
 .. قیمت دینار ده درهم است بیست دینار ذهب و زن آن دوست درهم نقره است) .

در کتاب فرهنگ آنندراج نوشته شده است که :

« ... درهم معرب درم است و وزن آن شش دانگ و دانگ دو قیراط و قیراط دو طسوج و طسوج دو جومیانه و دو درم شرعی دو مثقال باشد. »

بنابراین يك دینار طلا برابر دو مثقال نقره بوده است و از این قرار بهای يك دینار بنرخ امروزه در حدود ۱۰۰ ریال کنونی بوده است (اگر نقره مثقالی - ۵۰ ریال باشد) نقل از زیر صفحه فارسنامه ابن بلخی .

دیگر دبیران (خدمتگزاران دولت) و دهگانان (نجیب زادگان) و طبقه کشاورزان و پیشه وران بود.

مالیات ارضی از پیشه وران گرفته می شد و ریاست آن با واستریوشان سالار یا رئیس پیشه وران بود که ریاست وصول مالیات رانیز بعهده داشت .

بیشتر مالیات از زمین و محصول گرفته میشد و با فراوانی محصول و باروری زمین بستگی داشت .

گریستن سن دانمارکی مینویسد :

«بظاهر واستریوشان سالار ریاست اداره مالی را داشته است و تصور میرود که علاوه بر خراج وصول باج شخصی هم بعهده او بوده زیرا لقب هتخشبد (رئیس پیشه وران) یا رئیس همه مردمانی که کار دستی انجام میدهند مانند غلامان و دهقانان و تاجران و غیره نیز داشته است . «

«باری شخص واستریوشان سالار هم وزیرمالیه و هم وزیرفلاحت و صناعت و تجارت بوده است . « ۳۰

گریستن سن مینویسد :

«از جمله ماموران عالیرتبه مالیه آمارکاران مختلف یعنی مامورین وصول و رؤسای محاسبات را باید ذکر کرد شخصی که دارای مقام ایران آمارکار بود طی دوره معین از این عهد قائم مقام و نایب بزرگ فرمدار میشده است اما وظیفه او را برابر واستریوشان سالار درست نمیدانیم چه بوده است یکی دیگر از عمال بزرگ مالیه در آمارکار رئیس محاسبات دربار یا (اقامتگاه شاهنشاهی) است دیگر و اسپوهرگان آمار کار (مامور وصول عایدات ایالت و اسپوهرگان

۳۰- ایران در زمان ساسانیان از تور گریستن سن ترجمه رشید یاسمی چاپ سوم صفحه ۱۴۳ و ۱۴۴ دیده شود .

۴- دیگر شماریو آمارکار (که املاء تاریخی آن شتریو آمارکار است) یعنی رئیس محاسبات شهربان (ساتراپ) یاوالی^{۳۱}
 ۵- که ظاهرا یکنفر مامور ایالتی بوده است دیگر آذربادگان آمارکار (مامور وصول در ایالت آذربایجان)^{۳۲}

آمارکاران زیر نظر ایران آمارکار انجام وظیفه میکردند اینان ماموران وصول و رئیس‌های حسابداریمها بودند و اسپوهرگان آمارکار نیز مامور وصول درآمد هر استان بوده . شماریو آمارکار نیز رئیس محاسبات شهربان بوده است .

در زمان ساسانیان چندگونه مالیات دریافت میشده که مهمترین آنها بقرار زیر است :

۱- خراج یا خراج که مالیات ارضی و جنسی و مالیات بهره مالکانه بوده که نسبت به کشت هر ده و روستا و دهستانی از یک ششم تا یک سوم محصول مانند جریانه دریافت میشده و به نوشته مورخان ایرانی مانند ابوحنیفه دینوری بنا بر دوری و نزدیکی هر دهستان نسبت به شهرها از یک دهم تا نصف محصول دریافت میشده ولی حداکثر آن اغراق آمیز بنظر میرسد .

۲- باژ^{۳۳} یا باج که مالیات راهداری و عوارض راه بوده که از اشخاص بر حسب سرمایه و کالا عوارض راهداری گرفته میشده .

۳- گزیت یا ژزیت که بمالیات سرانه گفته میشد و یک گونه مالیات سرانه بود که در دوران اسلام جزیه^{۳۴} گفته‌اند بهمین قسم از

۳۱- این سمت مانند پیشکار دارائی بوده .

۳۲- اینجاگمان میرود برای هر استان چنین مامور وصولی بوده و کربستن سن تنها نام مأمور آذربایجان را گفته چون استانهای بزرگ مانند فارس ، خراسان و سفد و خوارزم و دل ایران شهر اهمیت کمتری از آذربایجان نداشته‌اند .

۳۳- باژیس BAZISH در فارسی باستان از ریشه بخش .

۳۴- جزیه (جزیت همان معرب جزیت و ژزیت است) .

غیر مسلمانان گرفته میشد و متصدیان دیوانی باید به بهترین و عادلانه ترین وضعی مالیات سرانه راسرشکن کرده دریافت دارند این مالیات از کسانی که زمین نداشتند و درآمد های دیگر داشتند گرفته میشد مردمی که میان بیست تا پنجاه سال داشته اند مشمول آن میشدند بزرگان، دهگانان، موبدان و دبیران از آن معاف بودند.

۴- چنانکه از نوشته های مورخان برمی آید در دوره ساسانی مردم کشور علاوه بر مالیات های گفته شده که در حکم مالیات بردرآمد و مالیات ارضی و سرانه و بهره مالکانه و مستغلات و پیشه و عوارض راهداری و گمرکی بوده کسانی که تمکن بیشتری داشتند بهنگام نورو باستانی و مهرگان ارمغانهایی برای شاهنشاه به دربار می فرستادند که به آن «آئین» میگفتند و این رسم اگرچه برای مدت کوتاهی در زمان خلیفه های اموی برافتاد اما تا دوران صفوی رسم بوده است .

مالیات ارضی به نسبت کشت هرده و دهستانی از یک ششم تا یک سوم محصول تعیین میگردد و غیر از گندم و جو و انگور و یونجه و برنج و خرما و زیتون بقیه محصولات از پرداخت مالیات معاف بود در زمان انوشیروان املاک مزروعی روی واحد گریب (جریب به مساحت ۲۴۰۰ گز) ارزیابی گردید و آنرا واحد دریافت مالیات قرار دادند و مالیات هر سال نیز به اقساط چهارگانه دریافت میشد. مالیات سرانه بکلیه اشخاصی که صاحب خانه و ساختمان بودند تعلق میگرفت و نرخ آن بر حسب ثروت و دارائی موبدان تعیین میگردد و مالیات گزیت یا سرشماری از اشخاصی که زرتشتی مذهب نبودند وصول میشد که در دوره اسلامی نیز آنرا جزیه گفته و از غیر مسلمان میگرفتند .

بطور اجمال در زمان ساسانیان خراج دو قسم بود یکی بصورت مالیات ارضی که متصدی خراج بنام «واستریوشان سالار» بود و آنرا از کشاورزان و صاحبان آب و زمین می‌گرفت دویم مالیات سرانه که گفته شد این مالیات یا خراج را متصدی امر بنام (هوتخشید) از پیشه‌وران و صنعتگران دریافت میداشت و گاه این دوشغل را یک تن برعهده داشت .

در دوره ساسانی عوارض راهداری (باژ) و گمرکی نیز دریافت میشد چنانکه در شرایط صلح انوشیروان دادگستر و یوستی نین قیصر روم در سال ۵۶۱ آمده که بازرگانان ایرانی و رومی باید از گمرکات بگذرند و از تسهیلات گمرکی بهره مند گردند .

در ماده چهارم این قرارداد آمده است که نمایندگان رسمی هر يك از دو کشور میتوانند با پرداخت عوارض گمرکی کالای خود را وارد خاک دیگری نمایند . گمان نرود که در دوره ساسانی بار مالیات بردوش مردم سنگین بوده است زیرا گذشته از اینکه مالیات عادلانه وصول میشده بخشودگی های مالیاتی نیز برای مردم بوده است .

چون در زمان ساسانیان جنگهای بزرگ با روم و هبتالیان^{۳۵} (هیاطله) و قبایل ترك در ماوراء النهر (ورارود) و قفقاز و قبایل عرب و غیره اتفاق افتاد کشور نیازمند نگهبانی و ارتش نیرومند بوده است در بیشتر جنگها دیده میشود که رومیان شکست یافته و خراجگذار ایران بوده‌اند و از این راه نیز دولت ساسانی درآمد بزرگی داشته و میتواند هزینه لشکرکشی و نگهداری دژها و مرزها را تامین کند .

اکنون قسمتی از کتاب تاریخ شناسی در این موضوع نقل میشود:

۳۵- بعقیده مینورسکی و بارتلد هبتالیان درست است .

« چون از تاریخ ایران گفتگو شد يك نکته ديگر در روابط ایران و روم شایان توجه است. در مدارك شرقی از جمله در رفتار نامه انوشیروان ۳۶ از پول سالانه ای که دولت شرقی روم سالها بایران میپرداخت بعنوان باج نام برده شده است چون در بیشتر جنگها پیروزی بالیرانیان بود و رومیها ناچار به پرداخت باج بودند اما برخی نویسندگان غربی از اینکه رومیها با گذار ایرانیان بوده اند خوششان نیامده پرداخت این وجوه را بعنوان نگهداری در بندهای قفقاز ذکر کرده اند در نوشته هائی که مدعی شده اند از مدارك رومی نقل گشته این وجوه را بعنوان سهم دولت روم در نگهداری در بند های قفقاز در برابر مهاجمان نام برده اند و شگفت آنکه در برخی تاریخهای اقتصادی که سالهای اخیر در ایران نوشته شده نیز این اشتباه راه یافته و چنین عنوان کرده اند که چون در زمان قدیم پول روم بر پایه طلا استوار بوده بنابراین در آن زمان پشتوانه پولهای بین المللی از جمله پول ایران بوده است؟ در صورتیکه در آن زمان مبادلات ارزی و بانکی چنین اقتضا نمیکرده و این وجوهی بوده که بعنوان باج پرداخت میشده بر مبنای طلا.»

در کتابهای تاریخ دوران اسلامی آمده است که شاهنشاهان ساسانی بسیاری از رعایا و دهقانان را که بحضور میرسیده اند از پرداخت مالیات معاف میداشتند و گاه هنگام تاجگذاری یا بر تخت نشینی پادشاهی رسم بوده است بقایای مالیاتی بخشوده میشد و پادشاهی ساسانی عده ای از محصلان مالیات را که بمردم اجحاف کرده بودند از دم تیغ گذراند.

بهرام پنجم (۴۲۱ تا ۴۴۹) بمهنگام بر تخت نشستن فرمان داد بقایای مالیاتها که بالغ بر هفتاد میلیون درهم میشد بخشوده گردد

۳۶- رفتارنامه انوشیروان (سیرت کسری).

ومالیات ارضی رابهنگام تاجگذاری يك سوم بخشید^{۳۷} و فرمانی برای بخشودگی پنجساله صادر نمود..

گفتیم که فیروز ساسانی بهنگام خشکسالی مردم را از باج و خراج معاف داشت.^{۳۸}

تا پیش از وصول مالیات و دریافت بهر دولتی کشاورزان و باغداران خود را امانت دار میدانستند تا ماموران وصول درآمد آنها را تخمین زده سهم دولت را برداشت نمایند در کتابها آمده^{۳۹} که وقتی قباد ساسانی بهنگام شکار پرنده‌ای صید کرد و پرنده او درباغی افتاد که آن باغ انارستان بود شاهنشاه به باغ درآمد بچه باغبان را دید که گریه میکند از مادر او پرسید برای چه این کودک گریه میکند گفت انار میخواهد شاهنشاه پرسید که چرا از این باغ با اینهمه بار که دارد یاو میوه‌ای نمیدهی - بستان بان گفت هنوز مأمور مالیات نیامده که سهم دولت را تعیین کند نمی‌توانم بمحصول درخت دست بزنم این روایت را در باره خوشه انگوری که بچه از تانک کند و مادر آنرا گرفت و دوباره به تانک آویخت نیز نقل کرده‌اند چون قباد از این روش آگاه شد برای رفاه حال کشاورزان و بستان بانان دستور داد تا بهتر بتوانند از کشته و محصول خویش بهره‌مند گردند. در زمان قباد مالیات ارضی از ده يك تا چهار يك محصول بوده است.

در تاریخ بلعمی ترجمه از تاریخ طبری آمده است :

«اما حق ملك بر رعیت آنستکه او را فرمان برند و جهان آبادان دارد تا خراج ملك بتوانند گزاردن و در گزاردن خراج از وقت معین

۳۷- تاریخ الانبیاء والملوک محمد جریر طبری دیده شود.

۳۸- تاریخ الانبیاء والملوک محمد جریر طبری چاپ لیدن.

۳۹- تاریخ طبری دفتر دوم.

تاخیر نکنند و حق رعیت بر ملک آنستکه برایشان دادند و ستم روا ندارد و خراج از آنها برفق و نرمی ستاند و دشخواری نکند و اگر ایشان را بکار آبادانی جهان بنفقه حاجت افتاد ملک از خواست خود یاری کند تا خراج او نشکنند و قوت ایشان نشود و اگر سالی از آسمان آفت آید که ثمره رازیانی باشد آن سال خراج ایشان بیفکند.»

این درست همان اصول عدالت مالی است که اردشیر بابکان و بهرام پنجم و فیروز و قباد و انوشیروان و دیگر شاهان ساسانی رفتار میکرده اند.

در زمان ساسانی مالیات دیگری از اقطاع یا ملکهای که بتصرف و تملک اشخاص داده شده بود نیز گرفته میشد در زمان قباد مالیات ایران شمر ۱۵۰ میلیون درهم و استان کرمان را ۶۰ میلیون درهم نوشته اند.

در زمان انوشیروان مالیات دهندگان را ممیزی نموده و بر حسب درآمد و توانگری آنان را به چهار طبقه تقسیم کردند سنین مالیات دهندگان میان ۲۰ تا ۵۰ سالگی بوده و خردسالان و کهن سالان از پرداخت مالیات معاف بودند سرجان ملکم مینویسد که ازاراترین مالیات دهندگان پیش از ۴۸ درم نمیگرفتند و حداقل آن شش درم بوده است.

این اصلاح بدست انوشیروان انجام یافت.

تمام اراضی مزروعی را بدقت اندازه گرفته ممیزی کردند و توزیع مالیات ارضی جدید بر آن اساس قرار گرفت و آن ممیزی بدست مردمانی منصف و خیرخواه بعمل آمده که شاه بدان منظور انتخاب کرده بود نرخهای ثابتی که مطابق اصول جدید معین شد از اینقرار بود:

هرگرب ۴۰ گندم یا جو سالی يك درهم . هرگرب مو هشت درهم . هرگرب یونجه هفت درهم . هرگرب برنج پنج ششم ^{۴۱} درهم و سالیانه از هر چهار درخت خرماى پارسی یا شش نخل آرامی ! یا شش درخت زیتون يك درهم میگرفتند . سایر محصولات دیگر از ادای مالیات معاف بود و نخلهای پراکنده نیز که جزء نخلستان مستقلی بشمار نمی‌آید از ادای مالیات معاف گشت ^{۴۲}

ظاهراً این نرخها سنگین نبوده است . منتهی ما درست نمیدانیم ، که بموجب قوانین مالیاتی مذکور ، صدی چند از کل مالیات وصول میشد و این وصول با اجرای اعمال فوق‌العاده صورت میگرفت یا بتدریج و باقتضای جریان اداری . لکن بطور کلی روش جدید بی‌شك باعث آسودگی رعایا شد . و در عین حال درآمد خزانه را ثابت تر و چندین برابر کرده است و بدین مناسبت در دوره خلافت اسلامی نیز بنای اخذ خراج بر همین شالوده قرار گرفت .

جزیه سرها (مالیات سرانه) را نیز خسرو اول بر طبق طرح محاسبین سابق الذکر اصلاح کرد این جزیه بر تمام اشخاص ۲۰ ساله الی پنجاه ساله تعلق میگرفت . باستثناء بزرگان و نجبا و سربازان و روحانیان و دبیران و سایر خدمتگزاران دولت ، جزیه گذاران را بر حسب ثروتشان بچندین طبقه تقسیم کردند : توانگران دوازده درهم و میانه تر هشت و کمتر شش و سایر رعایا هر تن چهار درهم میپرداخت . مالیاتها را با قسط سه ماهه میگرفتند . ^{۴۳}

کسری صورت نرخهای جدید را در گنج سلطنتی نهاد و رونوشتهای دیگری بهممه مامورین اداره مالیات و همه قضات بلوک

۴۰- برابر با ۲۴۰۰ متر مربع .

۴۱- درست بنظر نمی‌رسد که از یونجه هفت درهم و از برنج ۳ درهم باشد .

۴۲- طبری ص ۶۲ - ۹۶۰ .

۴۳- ظاهراً خراج ارضی و جزیه سر

فرستاد وقضات مزبور را مامور کرد که مواظبت کنند تا مالیاتها عادلانه اخذ شود و اگر خساراتی متناسب با مالیات برگندم و باغ اشخاص وارد آید، آنها را ازادای مالیات معاف کنند قضات بلوک صورت معافیها را بحکومت مرکزی میرساندند و حکومت نیز اوامر مناسبی به تحصیلداران صادر میکرد. منظور خسرو از این بازرسی این بود، که از اسرافاتی که تا آنزمان در اخذ مالیات معمول بود جلوگیری کند.

علت اصلی این اصلاح مالیاتی راکسری چنین بیان میکند. «بایست پول در خزائن سلطنتی جمع کنند، تا در هنگام جنگ همه وسائل مهیا باشد و احتیاج بتحصیل مالیاتهای فوق العاده نیفتد»^{۴۴} سایکس مینویسد:

«... هر سال تمام اراضی مزروع را درست بازدید و معاینه میکردند تا بفهمند کجا آباد شده و کجا نشده است و اینکار چون احتیاج باجزاء و کارمندان زیاد دارد مشکل است آنرا باور کرد ولی اینقدر مسلم است که در این قسمت پیشرفت قابل ملاحظه‌ای شده و وضعیت کشاورزان نسبت به پیش بمراتب بهتر و رضایت بخش تر بوده است. علاوه بر مالیات ارضی مالیاتی بردرختان میوه‌دار وضع نموده و نیز مالیات پر مستغلات و مالیات سرانه هم بوده است مالیات‌های مذکور فوق درسه قسط در هر چهار ماهی يك قسط پرداخت میشد و برای جلوگیری از تعدی و اجحاف مامورین بمغها اختیار داده شد که در اعمال آنها نظارت کنند.»^{۴۵}

در این زمان از هراستان و بخشی از کشور پمناور شاهنشاهی مالیات جنسی و نقدی گرفته میشد که میزان آن در دفترهای دیوان خراک ثبت شده بود. دریافتی‌های نقدی بخزانه میرفت اما

۴۴- طبری ص ۹۶۳ - ۹۶۰ نلدکه ص ۴۷ - ۲۴۶.

۴۵- تاریخ سایکس ترجمه فخرداعی گیلانی دفتر اول چاپ دوم ص ۶۳۷ - ۶۳۸.

وصولی‌های جنسی صرف نگهداری سپاهیان میشد و از محصولات کشاورزان و پیشه‌وران و بازرگانان خراج نقدی دریافت میشد. درآمد دولت ایران را در زمان انوشیروان بالغ بر ۳۴۵،۸۳۳،۷۰۰ درم نوشته‌اند.

درآمد سالانه دولت ایران را در زمان خسرو پرویز ششصد میلیون درم نوشته‌اند که به پول امروز برابر ۲۹۰ میلیون تومان میشود.

خسرو دوم در سال هجدهم شاهنشاهی خویش از مالیاتهای دریافت شده کشور ممیزی و آمارگیری کرد^{۴۶} و نوشته‌اند جمع درآمد بودجه ایران ۴۷ در زمان خسرو دوم که وصول گشته بالغ بر ۶۰۰ میلیون درم نقره يك مثقالی بوده است.^{۴۸}

بطوریکه نوشته‌اند در زمان خسرو دوم حساب خزانه در سال ۶۰۸ میلادی رسیدگی شد در خزانه بالغ بر چهارصد هزار کیسه پول نقد بوزن ۱۶۰۰ میلیون مثقال موجود بوده است و این مبلغ اضافه بر هزینه‌های جاری و لشکر کشیها بوده و علاوه بر این در خزانه مقدار بسیار جواهر و پوشاک گرانبها بوده است چنانکه در آخر شاهنشاهی خسرو دوم موجودی خزانه دو برابر شده است.

حمداله مستوفی مینویسد: در زمان خسرو پرویز جامع الحساب مملکت او نوشتند چهارصد بار - هزار هزار و بیست هزار دینار زر سرخ بوده است که اکنون آنرا عوامل میخوانند و بقیاس این زمان هشتاد هزار و چهار تومان رایج باشد.^{۴۹} در داستان گرفتاری

۴۶- کتاب الخراج تألیف ابی‌الفرج قدامة بن جعفر کاتب بغدادی در گذشته بسال ۳۲۰ هجری صفحه ۲۵۲ چاپ لیدن.

۴۷- المسالك والممالك ابن‌خرداد به صفحه ۱۵ چاپ لیدن دیده شود.

۴۸- وزن درم ساسانی ۴/۲۶۵ گرم بوده است. درهم معرب درم فارسی است.

۴۹- نزهة القلوب باهتمام دبیر سیاقی صفحه ۲۸.

خسرو پرویز در زندان شیرویه و اتهاماتی که بوی وارد آوردند از جمله مطالبی درباره مالیاتها مطرح شده است :

ابوعلی بلعمی مینویسد :

«خسرو پرویز در جمع آوری خراج سختگیری بسیار نمود. گویند بیمانه اینکه ایرانیان در یکی از جنگها با رومیان سخت نجنگیده و از خود ابراز شجاعت نمودند، تورداد بقایای خراج بیست سی ساله را بزور از مردم بگیرند.»^{۵۰}

پس از آنکه شیرویه پدر خود پرویز را بزنندگان افکند از او پرسید «مردی ظالم را برگماشتی بر رعیت تا بقایای خراج بیست ساله و سی ساله بزخم شکنجه بستند؟»^{۵۱} پرویز پاسخ داد .

«اما آنچه گفتمی که مردی بر بقایای خراج برگماشتی و بیست ساله و سی ساله بستدی این خراج چیزی واجب است مملکت به خراج درست شود و این واجب است بر رعیت ... و این نه بر رعیت است که من آورده ام و این خراج انوشیروان نهاد که ملک را از خراج چاره نیست و رعیت را گرد کرد و همه زمینها را مساحت کرد و بهمداستانی رعیت آن خراج نهاد که هر سال بسه یا چهار بار بدهند بهر سه ماه یا بهر چهار ماه ثلثی و از بهر آن بود که این خراج را خراج همداستانی نام کردند یعنی مال الرضا»^{۵۲}

از آنچه گفته شد معلوم میشود بیست سی سال خسرو پرویز خراج نگرفته است یا در گرفتن آن سخت گیری نمیکرده و شیرویه به هنگام بر تخت نشستن خراج یکسال بر مردم ببخشید .

« پایان قسمت اول »

۵۰- تاریخ بلعمی صفحه ۱۱۶۲ .

۵۱- تاریخ بلعمی صفحه ۱۱۷۵ و ۱۱۷۶ چاپ وزارت فرهنگ ۱۳۴۱ .

۵۲- تاریخ بلعمی صفحه ۱۱۷۵ و ۱۱۷۶ چاپ وزارت فرهنگ ۱۳۴۱ .